

کودک و پرورش خلاقیت با تاکید بر

اهمیت بازیهای وانمودی

نویسنده مسئول: سیده آسیه میر حسینی

کارشناسی ارشد پژوهش هنر-مری نمایش و خلاقیت در مهد کودک -ایران-تهران-دانشگاه پیام نور تهران شرق

Email; Mirhosseiny.maryam@yahoo.com

چکیده

پرورش استعداد های درخشان و خلاق در هر دوره ای از تاریخ هدف بوده است. همه والدین دوست دارند فرزندان خلاق پرورش دهند. یکی از راه های پرورش خلاقیت بازیهای وانمودی است. کودک در ابتدای زندگی خود بدون هیچ آموزشی و تنها از طریق بازیهای وانمودی خود را ابراز می کند که این خود پایه ای برای خلاقیت در او می تواند باشد. در این تحقیق با استفاده از روش پژوهشی و کتابخانه ای می خواهیم چند روش آسان از راه های پرورش خلاقیت در کودکان و اهمیت بازیهای وانمودی را در کودکان در رده سنی مهد کودک، پیش دبستانی و دانش آموزان دوره ابتدایی مناسب است را معرفی کنیم. خلاقیت و شیوه های آموزش و پرورش آن از مهم ترین مسائلی است که باید تمام پژوهشگران و محققان، برنامه ریزان و همه ی دست اندرکاران آموزشی به آن توجه خاص کنند.

کلید واژه: کودک، خلاقیت، بازیهای وانمودی

Bringing up artistic creativity with an emphasis on

The importance of simulative(pretending) games

Author: Syede Asiye Mir-Hosseini

Master of Arts-trainer of drama and creativity in kindergarten -Iran-Tehran-Payam Noor University of Tehran East

Email; Mirhosseiny.maryam@yahoo.com

Abstract

Bringing up Brilliant and creative talent in every period of history has been the goal. All parents love to help their children to be creative. Simulative games are one of the ways to bringing up creativity.

Children at the beginning of their life only expressive themselves through simulative games without any training. This could be the basis for creativity in children. This paper use library research method to introduce some easy ways for bringing up Creativity and show the importance of simulative games in kindergarten and primary school. Creativity and training that, is one of the most important issues that all researchers, planners and all those involved in education should make it special attention.

Keywords: children, creative, simulative (pretending) games

مقدمه

یکی از مفاهیم مورد توجه دانشمندان علوم رفتاری و علوم تربیتی، بویژه متخصصان روان‌سنجی، «خلاقیت» می‌باشد. خلاقیت در معنای لغوی، «آفریدن»، «آفرینندگی» و یا «قوة ابتکار» و «قدرت ایجاد آثار نو» است. (انوری، 1381: 28) پرورش خلاقیت کودکان در دنیای امروزی نقش مهمی در آینده آن‌ها خواهد داشت، انسان‌های خلاق راه حل‌های جدید برای مشکلاتشان پیدا می‌کنند به همین دلیل شاد تر هستند و در زندگی موفق ترند. اما سوال این است که چگونه خلاقیت را پرورش دهیم؟ بدون شک یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های بسیاری از والدین در زمانه کنونی، تربیت فرزندانی خلاق و باهوش است؛ فرزندانی که هوش سرشاری داشته باشند و بتوانند مدارج عالی تحصیلی را به بهترین شکل ممکن طی کنند. با وجود تغییرات چشمگیر در دروس فعلی مدارس و فراهم بودن امکانات آموزشی و در دسترس بودن انواع فناوری‌ها برای افزایش هوش و خلاقیت کودکان، هنوز والدین نمی‌دانند چگونه می‌توانند فرزندانی خلاق تربیت کنند. خلاقیت را می‌توان از چه سنی پرورش داد؟ و خلاقیت چقدر با هوش کودک مرتبط است؟ آیا خردسالان از راه خیال‌پردازی و عمل کردن یاد می‌گیرند؟ فرضیه‌هایی مطرح می‌شود که سنجی برای کودک به ماشینی بدل می‌شود. یا با پنهان شدن در پشت صندلی خرگوشی می‌شود تا از دست شکارچی فرار کند. او در واقع با حرکت، چیزی را به جای چیز دیگری وانمود می‌کند. بدون هیچ آموزشی او این کار را ذاتاً انجام می‌دهد. کودک از سنی که خود را و اندامش را می‌شناسد برای تقلید از بزرگتر خودش شروع به یادگیری می‌کند. اما روند وانمود سازی به همین سادگی که دیده می‌شود، نیست. فرآیند وانمود سازی سبب پرورش بسیاری از زمینه‌های بنیادی رشد کودک می‌شود.

مفهوم تفکر خلاق

اگر بخواهیم تفکر خلاق را معنا کنیم، باید بگوییم که وقتی از مجموعه اطلاعات و داده‌ها یک فکر جدید و نو ارائه شود، تفکر خلاق حاصل شده است. در واقع مجموعه‌ای از افکار رها شده که به تنهایی ثمری ندارد یا کیفیت بالایی ندارد، به اشکال جدیدی تبدیل می‌شود که نتیجه بخش و مفید است. تمامی اختراعات، حاصل تفکر خلاق است یعنی فکر جدیدی که در یک مجموعه به تولید شیء جدیدی منجر شده است. گاهی تفکر خلاق به نوآوری منجر می‌شود؛ یعنی از داده‌ها و مصالح موجود استفاده جدیدی می‌شود. برای داشتن تفکر خلاق به زمینه‌هایی نیاز است. طبیعی است که هر کودکی با سطحی از هوش، توانمندی، استعداد و علاقه به دنیا می‌آید و شیوه پرورش تفکر خلاق در کودکان متفاوت است اما می‌توان زمینه‌های بروز تفکر خلاق را در کودکان

فراهم کرد. از خلاقیت تعاریف مختلفی ارائه شده است. رایج ترین تعریف عبارت است از «ایجاد طرحی جدید، با ارزش، و متناسب» (Renzulli, 1993, 20) به بیان دیگر خلاقیت بکارگیری توانای های ذهنی برای ایجاد فکر یا مفهوم جدید است. رابرت ویزبرگ¹ (1995) در این زمینه می گوید: «یکی از زیبا ترین ویژگی های انسان قدرت آفرینندگی و یا خلاقیت اوست و به همین واسطه است که انسان می تواند اهداف آرمان گرایانه خود را پدید آورد و توانایی های خود را شکوفا سازد» (Weisberg, 1992, 9). آبراهام مازلو² می گوید: «خلاقیت در ابتدا از روان ناهوشیار سرچشمه می گیرد. ایده های جدید است که با آنچه در حال حاضر وجود دارد کاملا متفاوت است». (حسینی، 1378، 16).

تورنس می گوید هر زمان که ما یک نقص یا کمبودی را احساس می کنیم در ما تنش ایجاد می شود. احساس ناراحتی می کنیم و تلاش به عمل می آوریم تا تنش را برطرف سازیم. در نتیجه به تکاپو و سوال کردن می افتیم، عناصر را دست کاری کرده و حدس هایی می زنیم و تا زمانی که مورد آزمودن و تجدید نظر قرار نگرفته اند آرام نمی گیریم (Torrancem, 1989). سه بعد خلاقیت از نظر تورنس:

- 1- سیالی: سیالی به تعداد پاسخ هایی که ما برای یک مسأله در نظر می گیریم، مربوط است. به زبان ساده تر، ما هر چه در مقابل یک موقعیت، تعداد بیشتری ایده در اختیار داشته باشیم، تفکر سیال تری داریم. تفکر سیال در مقابل تفکر سخت و منجمد قرار می گیرد. تفکر منجمد برای هر مشکل فقط یک راه حل مشخص را در نظر دارد.
- 2- ابتکار³: یعنی اصالت، یعنی کپی نبودن.
- 3- تخیل.

در نظریه ی گیلفورد⁴ که به الگوی ساخت ذهنی شهرت دارد در آن دو تفکر عمده "تفکر همگرا"⁵ و "تفکر واگرا"⁶ را معرفی می کند. خلاقیت را با تفکر واگرا (دست یافتن به رهیافت های جدید برای مسائل) در مقابل تفکر همگرا (دست یافتن به پاسخ) مترادف دانسته است. (بودو، 1978، 98)

بنابر این، خلاقیت در هر نوع فعالیتی صورت می گیرد و محدود به نوع خاصی از آن نیست. ویزبرگ معتقد است که آنچه پیش از این تصور می شد بر اساس «نگرش نبوغ آمیز» بنا شده بود و طبق این نگرش خلاقیت به افراد خاصی تعلق داشت. افرادی که توانایی های ذهنی «آنان فراتر از مردم عادی به شمار می رفت. خلاقیت دارای عناصر تشکیل دهنده ای مانند: قلمرو مهارتها، مهارتهای تفکر خلاق، و انگیزه است

اولین عنصر قلمرو مهارتهاست که مربوط به استعداد، آموزش و تجربه در یک زمینه خاص است و به عنوان مواد اولیه کار محسوب می گردد. به بیان دیگر، برای اینکه افراد در یک حوزه خاص خلاق گردند باید دارای مهارت لازم در آن زمینه باشند.

¹ - Weisberg

² - (Abraham Maslow)

³ - originality

⁴ - Guilford, J.P.

⁵ - Convergent Thinking

⁶ - (Divergent Thinking)

عنصر دوم مهارتهای تفکر خلاق است. همه ی افراد از ویژگی های مختلفی برخوردارند که باعث می شود آنان بتوانند قلمرو مهارت های خود را در راه جدیدی به کار اندازند. این ویژگی ها یا مهارتها را می توان با آموزش و تجربه گسترش داد.

عنصر سوم، انگیزه است. انگیزه ی میل به کار، به خاطر میل به کار است. اصولاً، انگیزه زمانی ایجاد می شود که شخص کار را جالب، جذاب و رضایت آمیز ببیند و به انجام آن علاقه مند گردد. زیرا این محل تقاطع ترکیب پر قدرتی است که شخص را به سوی خلاقیت سوق می دهد.

خلاقیت و اهمیت بازی از نظر روانشناسان

افراد خلاق کسانی اند که پیشرفت های عظیم پزشکی، ادبیات، هنر مدیون کوشش های آن هاست و پیشرفت تمدن را در جوامع بشری به عهده دارند. با پیشرفت علوم و تکنولوژی، تحقق این اهداف و آرزو ها گرچه امکان بیشتری یافته است، مخاطره آمیز تر شده است. رشد و توسعه خلاقیت را بسته به عوامل مختلف فردی و اجتماعی، مانند هوش، خانواده، ویژگی های شخصیتی و غیره، می دانند. توانایی تفکر خلاق بالقوه در انسان به ودیعه نهاده شده، اما ظهور آن مستلزم پرورش خلاقیت است. در اواخر قرن نوزدهم و در اوایل قرن بیستم به منبع جدید خلاقیت توجه شد. در این دوران این تفکر که، که، نبوغ یا توانایی غیر معمولی در یک فرد از یک روح بیرونی ناشی می شود، رنگ باخت اما تاثیرات این تفکر که، خلاقیت و نبوغ مترادف هستند همچنان باقی ماند و تا عصر رنسانس نیز کشانده شد و لذا نزدیک به نیم قرن طول کشید تا خلاقیت به طور علمی و دقیق مطالعه شود. رهبری این جریان علمی را گیلفورد در سال های 1959-1966-1967 بر عهده داشت (سام خانیان، 1384: 13).

قدیمیترین و معروف ترین آنها روش (شورانندن ذهن اندیشه)¹ است (Osborn, 1966). این نظریه موافقان و مخالفان بسیاری دارد، اما هنوز هم در مراکز تربیتی، صنعتی، تجاری به منزله ی روشی مفید مورد استفاده قرار می گیرد. روش های دیگری نیز وجود دارند که هر یک می توانند تمرین مفیدی برای پرورش خلاقیت محسوب شوند. مانند روش ارتباط اجباری که مبتنی بر ایجاد ارتباط بین مفاهیم به ظاهر بی ربط است، ولی این توان را دارد که به مفاهیم جدید منجر شود. یا روش سینکتیکس² که در آن تفکر خلاق با فعالیت استعاری و تمثیلی شکل می گیرد (خورشیدی، 1381: 47).

بنابر این، موهبت تفکر خلاق را می توان با بی استفاده گذاشتن پژمرده کرد و یا با، مبادرت به فعالیت ها یی که امکان بیشتری برای قدرت تفکر خلاقیت بوجود می آورد، خاصه با تمرین مداوم، توسعه داد. در جامعه ی ما، علارغم داشتن نیروهای مستعد، توانایی های خلاق هرز می رود. علت اصلی این امر نامشخص بودن جایگاه خلاقیت و فقدان بستر رشد آن است. تورنس³ بر آن است که ما برای بقای آن نیازمندیم قدرت خلاق کودکان را توسعه داده و مورد استفاده قرار دهیم. وی خلاقیت هر انسانی را مهمترین اسلحه ی او می داند که با آن می تواند فشارهای روحی ناشی از زندگی روزانه و امور فوق العاده را از بین ببرد و راه

¹ - Brain Storming

²-(Synectics)

³ - Torrance-1980

موفقیت را هموار سازد (حسینی، 1378، 16). بر اساس نظریه ی آمابیل¹ عوامل اصلی خلاقیت عبارت اند از: "انگیزه، مهارت های مربوط به خلاقیت، مهارت های مربوط به موضوع." این عوامل اصلی تحت تاثیر عوامل و یا موانعی تقویت، تضعیف و یا نبود می شوند، که مهم ترین عوامل و موانع فردی و محیطی هستند. بر این اساس و با توجه به آنچه این نظریه بیان می دارد، عوامل و موانعی که در پرورش و ایجاد خلاقیت تاثیر دارند، عبارت از:

1- عوامل و موانع فردی، شامل: هوش، ویژگی های شخصیتی و انگیزه ی درونی؛

2- عوامل و موانع محیطی یا اجتماعی، شامل: خانواده و مدرسه، تجربه و آموزش، انگیزه ی بیرونی.

نظریه ی آمابیل بطور اجمالی چنین بیان می دارد که، علی رغم آنکه این عوامل با هم تعامل دارند، و می توانند یکدیگر را تقویت و یا تضعیف کنند و در نهایت باعث شکوفایی یا تضعیف فرد شوند.

وینیکت دو.² معتقد بود که بازی لازمه ی تکامل اجتماعی و عاطفی کودک است و به عبارتی، بازی و یادگیری لازم و ملزوم یکدیگر هستند. او همچنین بر درک ما در مورد نقش مهم اسباب بازی ها (مثل خرس عروسکی) بر کودکان، تأثیر گذاشت. وی اسباب بازی ها را اشیاء بینابینی نامید.

لو وایگوتسکی³ معتقد بود که بازی، کودکان را از دنیای واقعی آنها جدا می سازد و به آنها اجازه می دهد تا از اعمالی مثل به پرواز درآوردن یک هواپیما لذت ببرند. کارهای او همچنین تأکید فراوان بر اهمیت نقش بزرگسالان در ارتقاء تفکر و ایده های کودکان دارد.

نظریه پردازانی چون پیازه و برونر⁴ تشخیص دادند که کودکان در یادگیری خود فعال هستند، به عبارت دیگر آنها با عمل کردن می آموزند. بازی اغلب بازسازی تجربه ی کودک به شیوه ی مخصوص به خود است که از افکار و خلاقیت او منشاء می گیرد، و همچنین تلفیق این تجربه با قواعد اجتماعی پذیرفته شده از سوی او است. این تجارب الهام گرفته از قوه ی تخیل و خلاقیت کودک هستند، مثلاً کودک ممکن است با تعدادی از اسباب بازی ها فیلمنامه ای را خلق کند که در آن، یک اسباب بازی به عنوان مادر و اسباب بازی دیگر به عنوان کودک انتخاب می شود. این در پاره ای از موارد اشاره به همان "نظریه ی سازنده ی اجتماعی"⁵ است.

فروید⁶ در مورد بازی به مانند نظریات او در سایر زمینه ها، برای نیل به لذت و حل مشکل توجه زیادی داشته است بنابراین وی بازی را شیوه ی حل مشکل یا وسیله ی کسب لذت می داند، به عبارتی دیگر فروید در بازی به مسائل عاطفی و آنچه در درون شخص⁷ می گذرد توجه دارد. فروید در بازی با بررسی نظام های تنشی⁸ موجود در درون شخص به بررسی چگونگی برخورد با این

¹- Teresa Amabile

²- (D.W. Winnicott) ۱۹۷۴-۱۸۹۶

³- (Lev Vygotsky) ۱۹۳۴-۱۸۹۶

⁴- (Bruner)

⁵- Social Constructivist Theory'

⁶- (Sigmund Freud)

⁷- (Interaperson)

⁸- (Tension)

این تنش‌ها می‌پردازد. نظریه‌ی فروید در مورد بازی مانند نظر پیاژه جزء نظریات پویای^۱ بازی است که در آن به محتوای بازی بیش از دلایل بازی کردن اهمیت داده می‌شود، محتوای عاطفی قوی یکی از مسائل مورد توجه فروید در بازی می‌باشد.

توجه به اهمیت مسائل عاطفی در درمان به ایجاد شاخه‌ی جدید^۲ - 'تحلیل روانی کودک' - منجر گردید. هرچند که در ابتدا نواقصی متوجه آن بود ولی اکثر پیشرفت‌های اولیه در به‌کارگیری روش‌های روانکاوی با کودکان، ناشی از مشاهدات غیرمستقیم به همراه تفسیر آن بر اساس معیارهای بزرگسالان بود، از جمله نواقص روانکاوی کودک این بود که کودک نمی‌توانست براساس جریان تداعی آزاد^۳ اطلاعات بیشتری در اختیار درمانگر قرار بدهد و لذا بازی می‌تواند به‌عنوان پلی جهت ایجاد ارتباط کلامی در رفع این نقیصه مورد استفاده قرار گیرد. در نظریه‌ی فروید در مورد بازی، اصلی به‌نام 'تکرار'^۴ وجود دارد که توسط 'گروس'^۵ نیز مطرح شده است. بر اساس اصل تکرار کودک از تکرار بازی لذت می‌برد، فروید تکرار را لذتی می‌داند که از کشف دوباره و شناخت یک کار آشنا به‌دست می‌آید، در بازی‌های نمادین یا بازی‌هایی که خود کودکان مبدع آنها هستند اصل تکرار اهمیت بیشتری به خود می‌گیرد، کودک با تکرار یک بازی فعالانه بر آن موقعیت تسلط پیدا می‌کند مثلاً؛ به‌جای شنیدن یک قصه‌ی جدید اصرار بر دوباره شنیدن داستان قبلی دارد، این تکرار به اندازه‌ای مهم است که کودکان تجارب ناخوشایند و آسیب‌زا را نیز تکرار می‌نمایند.

کودکان با تکرار حوادث آسیب‌زایی که قبلاً به‌صورت غیرفعال آنها را تجربه کرده‌اند نقش فعال به خود می‌گیرند تا به تسلط برسند و این چیزی -ورای اصل لذت^۵ - است. فروید تکرار در بازی را به وسواس‌های عملی و تکراری تشبیه می‌کند ولی انگیزه‌هایی چون انتقام‌جوئی را در تکرار بازی دخیل می‌داند. نظریه‌ی بازی فروید با نظریه‌ی انرژی مازاد بازی شباهت‌هایی دارد از جمله اینکه مفهوم تصعید فروید این مفهوم را می‌رساند که نیروئی اضافی در درون آدمی وجود دارد که عدم هدایت صحیح آن عوارضی ایجاد می‌نماید و این هم نوعی تخلیه‌ی انرژی مازاد می‌باشد.

نظریه‌ی پویائی دوران کودکی . بوی تاندیک^۶ - روانشناس شهیر هلندی، معتقد است که بازی جزء فعالیت‌های خاص دوران کودکی است و این گُنش نوعی پویائی دوران کودکی است، یعنی تحرک و تکاپوئی در سازمان روانی فرد وجود دارد و تظاهرات آن به شکل بازی جلوگر می‌شوند. گرچه این نظریه مترقی است، مع‌ذالک مشکل در این است که بسیاری از جنبه‌هایی که به‌عنوان تظاهرات پویایی کودک توسط 'بوی تاندیک' عنوان می‌شود، جزء شرایط اساسی تحول و گسترش روانی هستند، یعنی کم و بیش هر انسانی در جریان تحول در تمام زمینه‌ها از همین خصوصیات برخوردار می‌شود. (فرج اللهی، 1389، 83-100)

آیا خلاقیت و وانمود سازی را می توان آموزش داد؟

¹- (Dynamic)

²- Child analysis'

³-(Free association)

⁴- Repetation'

⁵- Beyond The Pleasure principle'

⁶- Buytendijk, F'

جهان علمی و اجتماعی ما، پُر از مسائلی است که برای حلّ آنها نیاز به روش‌های جدید داریم. با توجه به وضعیتی که در جهان پیچیده و پُرشتاب به وجود آمده است و با پیدایش نیازهای مادی و معنوی جدید، تجدید نظر در روش‌های تربیتی و نظام تعلیم و تربیت، ضرورتی حیاتی پیدا کرده است. بسیاری از افراد خلاق و مشهور در هنر و علوم، شخص بزرگ سالی را در کنار خود داشته است. در اولین سال زندگی تماس چهره به چهره ی کودک با بزرگسال خندان و علاقمند، که با او با نلایمت سخن می گوید تجربه ای با ارزش برای او می باشد. پژوهش‌های متعدد نشان داده است که خلاقیت در انسان به معنای پویایی، ابداع، نوآوری، ابتکار و بازسازی مجدد در تمام ابعاد با شدت و ضعف «بالقوه» و «پرورش‌پذیر» وجود دارد. (بودو، 100، 1358) بنابراین یک نظام تربیتی که پرورش خلاقیت را یکی از اهداف خود قرار داده است، باید از روش‌هایی استفاده کند که باعث پرورش خلاقیت گردند:

الف) روش‌های پویا و ایستا: پژوهش‌گران، جامعه‌شناسان و کارشناسان تعلیم و تربیت، روش‌های تربیتی «پویا» را (در مقابل روش‌های «ایستا») در پرورش خلاقیت، عاملی بسیار اساسی و مهم می‌دانند. (نلر، 50، 1369). در روش‌های تربیتی پویا، نظام تربیتی در پی رشد دائمی فرد و جامعه است در حالی که در نظام تربیتی «ایستا» هدف، حفظ فرد و جامعه، آن‌چنانکه هستند، می‌باشد. در یک نظام آموزش و پرورش پویا، هدف، کشف پرورش استعدادها، به‌ویژه استعدادهای خلاق انسان است. چنین نظامی متعهد است که شرایطی فراهم سازد تا فرد و جامعه از سلامت و کارائی بیش‌تری برخوردار شوند. این در حالی است که یک نظام تربیتی «ایستا» به دنبال این است که استعدادهای افراد را در قالب‌های موجود شکل دهد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افراد پرورش‌دهنده پویایی و خلاقیت، در برقراری ارتباط و آموزش از روش‌های خاصی استفاده می‌کنند. این افراد غالباً «ارتباطی پویا و خلاق» با یادگیرندگان برقرار می‌سازند بدین نحو که:

- 1- کنجکاوی را به صورت‌های مختلف در آنها تقویت و پایدار می‌کنند.
- 2- آنها را از راه‌های مختلف به پیدا کردن راه حل‌های جدید تشویق می‌کنند.
- 3- «پیش‌قدمی» و «خودجوشی» را در آنها تقویت و تثبیت می‌کنند.
- 4- اعتماد به نفس و احترام به خود را در آنها پرورش می‌دهند.
- 5- استقلال و آزادی لازم را برای انجام فعالیت‌های منطقی و تجربی در اختیارشان می‌گذارند. (شهر آرای، 93، 1381)

ب) تشویق پویایی و خلاقیت: پژوهش‌های انجام شده نشان داده است که افراد پرورش‌دهنده پویایی و خلاقیت، در کنار نگرش مثبتی که نسبت به پویایی و خلاقیت دارند، ارتباط عاطفی عمیق‌تری با یادگیرندگان برقرار می‌سازند و همین موجب تقویت روحیه جست‌وجوگری آنها می‌گردد.

پ) استفاده از حواس: پرورش‌دهندگان خلاقیت، تا زمانی که یادگیرندگان به «تفکر انتزاعی» نرسیده‌اند، به پرورش حواس و استفاده از آنها توجه خاصی دارند. آنها یادگیرندگان را به مشاهده طبیعت و پدیده‌های طبیعی تشویق می‌کنند و استفاده از وسایل کمک‌آموزشی سمعی و بصری را به مخاطبین توصیه می‌کنند.

ت) استفاده از روش بحث و گفت‌وگو: در یک نظام تربیتی پویا و خلاق، سخنان خودجوش، گفت‌وگوهای آزاد و متفاوت که نیاز به داد و ستد اجتماعی دارد، اهمیت فراوانی دارد. این افراد درس را با مطرح کردن سؤالات آموزشی که فراگیر را به تفکر وادار می‌سازد، شروع می‌کنند.

ث) فراهم آوردن فعالیت‌های مبتنی بر تجربه: معتقدان به تفکر خلاق بر این باورند که امکان «تجربه و آزمایش کردن» را به فراگیر دهند و خطاهای آنان را به عنوان فرایندی آموزنده در مسیر یادگیری می‌پذیرند و آنها را با سرزنش دلسرد نمی‌کنند.

ج) استفاده از روش تدریس «شاگردمحور»: در پژوهشی که درباره خصوصیات معلمان خلاق انجام شد، بسیاری از معلمان پرورش‌دهنده خلاقیت بر این باورند که «دانستن یک فرایند است، نه یک نتیجه». این معلمان مخالفت خود را با روش تدریس «معلم‌محور» که عمدتاً بر تقلید و انتقال اطلاعات قالبی و از پیش طرح شده است، اعلام کردند. (همان منبع، 95)

چ) «سیال‌سازی» یا «کنکاش ذهنی»: در این روش به یادگیرندگان فرصت می‌دهند تا در جوی آرام، به طور عمیق فکر کنند و بعد از در نظر گرفتن عوامل و جوانب مختلف، موضوع یا مسئله و جواب یا نظر خود را آزادانه مطرح کنند و سپس تأملی معقول و منطقی به گونه‌ای که ارزیابی مانع ارائه آزاد نظرات و افکار نشود، مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرند.

ح) استفاده از «تفکر واگرا» به جای استفاده از «تفکر هم‌گرا»: پژوهش‌های زیادی نشان داده‌اند که متصدیان امر آموزش، از «تفکر واگرا» استفاده می‌کنند. در این نوع تفکر که آن را «تفکر آفریننده» نیز می‌نامند، تعداد و تنوع جواب‌ها مورد نظر است و یادگیرنده به دنبال کشف روابط جدید بین پدیده‌ها است. روابطی که به طور معمول نامربوط و نامتجانس ترکیب شده‌اند. اما در «تفکر هم‌گرا» یادگیرنده در چارچوب داده‌های معین و از پیش تعیین‌شده به بررسی می‌پردازد و از بین جواب‌ها یکی را انتخاب می‌کند.

خ) توجه به تفاوت‌های فردی یادگیرندگان: مطالعات مختلفی نشان داده است که افراد پرورش‌دهنده که یک نظام پرورش‌دهنده خلاقیت به تفاوت‌های فردی یادگیرندگان در ابعاد مختلف پرورشی و آموزشی توجه خاصی دارند و در نتیجه، انتظار «هم‌نوائی» نیز در این گونه نظام‌ها کم‌تر است. آنها نه تنها هم‌نوائی را تأیید نمی‌کنند، بلکه توجه خاصی به فردیت و منحصر به فرد بودن هر یک از فراگیران دارند، از این‌رو روش‌های آموزشی خود را با روان‌شناسی تحوّل جسمانی - روانی و وضعیت اجتماعی و فرهنگی تطبیق می‌دهند.

د) روش اداره کلاس: یک نظام تعلیم و تربیت پویا و معتقد به خلاقیت، کلاس را به عنوان یک اجتماع کار، با تفاوت کار فردی و گروهی رهبری می‌کند تا ضمن برقراری «آزادی» معقول، هرج و مرج پیش نیاید.

برای رشد و گسترش خلاقیت، باید مربیان تربیتی به نکات زیر توجه کافی مبذول دارند: سؤالات بحث انگیز مطرح نمایند، از وسایل کمک آموزشی بهره بگیرند، ارتباط مسائل درسی را با واقعیت‌های زندگی بیان نمایند، از محرکات مختلف مثل تصاویر و نمودار استفاده کنند، به تخیلات دانش آموزان اهمیت دهند، اعتماد به نفس دانش آموزان را تقویت کنند، در دانش آموزان احساس آرامش ایجاد نمایند، مطالب درسی را با مطلب قبلی و تجارب دانش آموزان تنظیم کنند، فعال بودن دانش آموزان در جریان درس

را مورد توجه قرار دهند، فرصت فکر کردن به دانش آموزان بدهند، تحقیق و جستجو را تقویت کنند، به درک و فهمیدن بیش از حفظ کردن عنایت داشته باشند، به افکار و عقاید دانش آموزان احترام بگذارند، از پاسخ ها و سؤالات عجیب و غریب و بی ربط دانش آموزان ناراحت نشوند و از آن استقبال نمایند، به کیفیت یادگیری اهمیت بدهند، روش بحث و گفتگو را انتخاب نمایند، برخی مواقع از خود دانش آموزان بخواهند مسائلی را مطرح کنند، به راه ها و جواب های مختلف توجه کنند نه اینکه فقط یک راه حل مشخص و معین را مدنظر داشته باشند، و قدرت تجزیه و تحلیل و انتقادی بودن را در دانش آموزان رشد دهند. (کامران عبدی. کاظمی. حمیدی. راد. رحمت آبادی. 1394. 11)

سن اوج تفکر خلاق و اهمیت بازی های وانمودی

خوب است. بدانید در حدود 18 ماهگی کودکان علایم وانمود سازی را در بازیهایشان با غذا خوردن با قاشق یا فنجان خالی و نیز با صداهایی که بیانگر لذت بردن است، نشان می دهد. از 3 تا 5 سالگی خیال پرداز می شوند و قوه تخیل خود را به کار می گیرند. بعضی از والدین در مواجهه با خیال پردازی کودکان نگران می شوند در صورتی که این امر در فرآیند رشد و تکامل کودک کاملاً طبیعی است. (سینگر. 1388. 25) بنابراین بهتر است تخیلاتی را که کودک به زبان می آورد، گوش کنند و با طرح سوالاتی تفکر و عمل کودک را تقویت کنند. در این صورت کودک همیشه یک مدل بازی نمی کند، نقاشی نمی کشد و شکل درست نمی کند، در موارد بسیاری والدینی که از بی حوصلگی، کسالت و بی انگیزه بودن کودکان خود گلایه می کنند، در واقع نتیجه بی توجهی خود را نسبت به تخیلات کودک می بینند. اگر والدین درباره تخیلات کودک به موقع وارد عمل شوند و او را تشویق به اجرای کارهای خلاقانه و ایده هایی که دارد بکنند، کودک خود راه حل هایی برای پر کردن وقتش پیدا می کند. از آن جا که کودکان پیش از 5 سالگی توجه و تمرکز کمتری دارند، رشد خلاقیت در بیشتر کودکان از 5 سالگی به بعد آغاز می شود اما هستند کودکان خلاق که از 2 سالگی کارهای خلاقانه انجام می دهند و البته هوش بالاتری نسبت به همسالان خود دارند. میل کودک به بازی و بازی حوادث گذشته یا پیشبینی حوادث آینده از طریق تجسم، یکی از قابلیت های اساسی مغز انسان است که تشویق بزرگترها موجب حفظ شدن و پرورش آن می شود.

هنگامی که کودک شما در حال بازی زمان و مکان را در موقعیت ها تغییر می دهند و برای آینده تصوراتی را طراحی می کنند. فرایند تفکر کودکی که از قطعات برای ساختن ایستگاه فضایی استفاده می کند با کاری که کارگردان با متن فیلم نامه می کند تفاوت چندانی ندارد. کودک با مکعبها، شاخه های خشک، قاشق ها و نقاشی هایی که از زمان نوباوگی به یاد دارد سعی می کند مجموعه ای برگرفته از چند شخصیت و یک طرح ابتدایی را بسازد. مدام ارتباط است وانمودی است، به شکل فعال نقش های عاطفی و اجتماعی زندگی را تجربه می کند. او با بازی های جمعی می آموزد که چگونه نوبت را رعایت کند، چگونه به ترتیب، مسئولیت ها را تقسیم کند و خلاقانه به حل مشکل بپردازد. هنگامی که کودک شما شخصیت های مختلفی را وانمود سازی می کند، در حال تجربه کردن "راه رفتن با کفش های دیگری است". با کفش های دیگران راه رفتن "به دستیابی او به مهارت های

مهم اخلاقی و همدلی یاری می رساند. برای خردسالان طبیعی است که دنیا را از دید خود و با محوریت خود ببینند. آن ها با کمک بازی های جمعی، کم کم احساسات دیگران را درک می کنند. وقتی کودک پی می برد که با وانمودسازی می تواند خود را به جای هر کس و هر چیزی بگذارد، اعتماد به نفس پیدا می کند .

پژوهش ها نشان داده اند که بازی های وانمودی برای آن ها، امکان زندگی در دنیایی کوچک، با همان ویژگی های دنیای واقعی را فراهم می آورد و آن ها را به کاربرد مهارت هایی که آموخته اند، تشویق می کند. این امکان، همچنین زمینه را برای به کار بردن مهارت های شان در فعالیت های معنادار زندگی آماده می سازد .

نوآوری و آفرینندگی، زمینه های لازم را برای رشد خلاقیت در کودکان را فراهم می آورد . تحقیقات نشان داده مردان و زنانی که در اوایل بزرگسالی پیشرفت و خلاقیت نشان میدهند در دوران کودکی بیشتر خیال پردازی و بازی کرده اند، اغلب دوستان خیالی داشته اند، والدینشان برای آنان قصه می گفته اند و با آنان بازی های پانتومیم انجام میداده اند(Singer. 2001- 50) . بازی، فعالیتی ذاتی و طبیعی است که اغلب کودکان به خاطر خود بازی و نه به خاطر رسیدن به چیزی، آن را انجام می دهند . به عبارت دیگر بازی اختیاری، خودانگیخته و لذت بخش است . دوران کودکی سرشار از تخیل، پایه ساز زندگی غنی از نشاط در بزرگسالی و نیز زمینه ساز آموزش مهارت های سازگاری برای مواجهه با مشکلات زندگی است . فعالیت های وانمودی¹ که در اوان کودکی آغاز و در زندگی بزرگسالی نیز ادامه می یابند، مقدمات سلامتی روانی در آینده افراد را فراهم می سازند. بدین معنا که در بازی های وانمودی شیء یا نشانه جانشین چیز دیگری می شود یا به عنوان نشانه یا سمبل چیز دیگری به کار می رود . یک جعبه، سمبل یک ماشین، یک عروسک سمبل یک بچه و غیره به این علت است بازی تخیلی بعضی مواقع بازی نمادین نیز نامیده میشود (Dorothy – 1985) واژه " وانمود " به معنای تصور یا خیال کردن، واژه ای اساسی در بازی کودکان است . چرا که کودک وانمود می کند حادثه ای رخ داده یا دست به عملی زده و یا کس دیگری است . (آقا عباسی، 50،1388) پس می توان گفت بازی های وانمودی شامل یک سناریوی معینی است. که در آن کودک فعالیتی را انجام می دهد و یا از اشیا به طور تخیلی استفاده می کند. (Brown.1992.100) بازی های وانمودی، فرایندهای یادگیری همچون :مشاهده، تجربه آموزی، حل مساله و خلاقیت را در کودکان تقویت و رشد می دهد (مفیدی، 25. 1387)

فواید وانمود سازی برای کودکان

بازیهای تخیلی برای کودکان معمولی و با نشاط فواید بسیار دارد. از جمله: خلق و خوی بهتر-خودآگاهی- مهارت تصور-مهرت کلامی-آگاهی از احساسات و هیجان ها-یادگیری نقش ها در موقعیت های اجتماعی جدید-انعطاف پذیری در موقعیت های جدید- خلاقیت.(سینگر.1388. 29)

- بازی های وانمودی مهارت زبانی را پرورش می دهند

¹make-believe play

خانواده یکی از بسترهای مهم در رشد و پرورش خلاقیت می باشد. از آنجا که کودک حساسترین مراحل رشد خلاقیت را در محیط خانه سپری می کند، بازی های خیالی و بازی کردن نقش شخصیت های آشنا (مانند اعضای خانواده) و شخصیت های افسانه ای یا ساختگی، سبب درونی شدن تفاوت مهم میان واقعیت و خیال در کودک می شود. برای نمونه، کودک شما می تواند تفاوت بین مادر واقعی اش و مادری که بعضی وقت ها در بازی های کودکانه نقش او را بازی می کند، دریابد و این تجربه و دانش را در موقعیت های دیگر نیز به کار برد.

آیا تاکنون هنگامی که کودکان سرگرم بازی تخیلی یا بازی با اسباب بازی ها یا دوستانش است، به رفتار او توجه کرده اید؟ اگر پاسخ تان مثبت است، شاید بعضی واژگان یا عبارت هایی شنیده اید که هرگز فکر نمی کردید او آن ها را بلد بوده است. اغلب در بازی کودکان، واژگانی را که خودما به کار می بریم، از آن ها می شنویم. کودکان از پدر، مادر، و آموزگارشان کاملاً تقلید می کنند. بازی وانمودی به کودک شما کمک می کند تا قدرت زبان را در یابد. افزون بر این، کودکان با بازی وانمودی با دیگران، یاد می گیرند که می توانند از واژه ها همچون ابزاری برای بازسازی یک داستان یا سازمان دهی یک نمایش بهره بگیرند. این فرآیند به کودکان امکان می دهد میان زبان نوشتاری و گفتاری ارتباط برقرار کند و به مهارتی دست یابد که بعدها به او کمک خواهد کرد خواندن را یاد بگیرد.

کودکان همچنین در هنگام بازی های وانمودی، واژه نامه ی خود را می سازند. هنگامی که مشغول بازی وانمودی هستند، شما و آموزگار می توانید آن ها را با واژه های مربوط به یک موضوع ویژه آشنا کنید. برای نمونه، اگر کودک تان دوست دارد با دایناسورهای اسباب بازی، بازی کند، شما با اشاره به نام دایناسورهای گوناگون، به او کمک خواهید کرد به سرعت نام های بلند آن ها را یاد بگیرد.

بیشتر کودکان دوست دارند وانمود کنند کارهایی را که شما در خانه انجام می دهید، آن ها هم انجام می دهند. سعی کنید همیشه مجموعه ای از نشریه ها، کتاب ها، کاغذ و مدادهایی برای بازی های نمایشی در خانه در دسترس داشته باشد. به این ترتیب، کودک شما از مهارت های پیش نوشتاری و پیش خوانی برای تقلید موقعیت های واقعی در زندگی اش استفاده خواهد کرد. او می تواند برای عروسک ها و اسباب بازی هایش بخواند، نامه بنویسد، فهرست تهیه کند و حتی وانمود کند با تلفن اسباب بازی، پیام تلفنی می گیرد.

• بازی های وانمودی در کودک مهارت تفکر ایجاد می کنند

بازی های وانمودی، مسئله های فراوان پیش روی کودکان می گذارند. هنگامی که دو کودک می خواهند نقش یکسانی بازی کنند یا مواد مناسبی برای ساختن یک سقف برای خانه ی عروسکی بیابند، مهارت های تفکر شناختی ارزشمندی را فرا می گیرند که در زندگی حال و آینده از آن ها استفاده خواهند کرد.

آیا کودک تان گاهی از بازی های خشن لذت می برد؟ فوق العاده است! برخی پژوهشگران که در زمینه ی رشد مغزی در سال های اولیه ی رشد پژوهش می کنند، به تازگی به این نتیجه رسیده اند که این گونه بازی ها در رشد بخشی از مغز که کنترل رفتار

را بر عهده دارد، موثرند. بنابراین، به جای نگرانی از اینکه این بازی ها کودک شما را به خشونت تشویق می کنند، مطمئن شوید که در وضعیت کنترل شده و امن، بازی خشن می تواند به کودک شما کمک کند تا مهارت های مورد نیاز کنترل بر خود را برای اینکه بداند چگونه و چه زمانی این گونه بازی مناسب است، فرا بگیرد .

بازی های وانمودی، تفکر انتزاعی را تقویت می کنند، توانایی استفاده از ابزاری مانند بلوک های ساختمان سازی به عنوان نشانه ی چیزی(مانند تلفن) سطح بالایی از مهارت تفکر به شمار می رود و در نهایت کودک شما را قادر خواهد ساخت تشخیص دهد که اعداد، بیانگر اندازه و مقدار، و ترکیبی از حروف، نشانگر واژه هایی هستند که به زبان می آورد، می شنود و می خواند.

• پرورش تخیل

تحقیق تسز کی نشان داد روش قصه گویی، به صورت بازی نمادین بر افزایش خلاقیت و حل مسأله کودکان 6 - 5ساله تأثیر دارد. (Tsz ki.2005.24) تحقیق طولی راس¹ در رابطه با بازی های وانمودی نشان داد، کودکانی که بیشتر به بازی وانمودی می پرداختند در طول زمان کودکان خلاق تری بودند بیانگر رابطه ی معنادار خلاقیتشان در طول زمان پایدار بود. یافته های جیمز و جوانسون² دریافت بازی های وانمودی اجتماعی با تفکر واگرا و هوش است. گاراگوردوبی مداخله در گروه آزمایش باعث افزایش خلاقیت تصویری و کلامی در مولفه های ابتکار و تظاهرات خلاقانه شده است. (Garaigordobi. 2006.15)

پیازه³ هم عقیده دارد که کودکان به هنگام بازی، فعالانه یاد میگیرند و زمانی که مشغول بازی های وانمودی یا تجسمی هستند، یادگیری آنها در مؤثرترین وضعیت قرار دارد، چرا که آنها درگیر نوعی تفکر عمیق هستند که باعث می شود خلاقیت در کودک افزایش پیدا کند. بازی وانمودی زمانی روی می دهد که کودک وانمود می کند فرد یا چیز خاصی است. با توجه به گفته پیازه، محقق در تبیین این فرضیه عنوان کرده است بازی وانمودی باعث می شود کودک راه حل های مختلف را بسنجد به راه های غیر معمولی فکر کنند و از طریق تفکر واگرا به صاحب نظران در زمینه روش های آموزش و پرورش خلاقیت نظریاتی را ابراز کرده اند. به عنوان نمونه، تورنس، دانشمند معروف، برای رشد و پرورش خلاقیت توصیه هایی را به والدین و مربیان می نماید تا از این طریق بتوانند زمینه را برای بروز خلاقیت فرزندان خود آماده نمایند و به راه حل های مناسب دست یابد و به کودک در بیان آرزو ها، امیدها و تخیلات اش و بر موقعیت هایی که در زندگی واقعی او را آزار می دهد پیروز آید. (Torence.. 1980.22)

1-تجسم قوی: توانایی تصور و تجسم اشیا، مفاهیم و فرایندها امکان بروز خلاقیت را بیشتر می کند. بهتر است تصویرها زنده، متنوع، روشن و قوی باشند. تحریک کنجکاوی، انواع بازی های فکری، نقاشی، تجسم آنچه بیان یا خوانده می شود و دستکاری تصاویر روش های مفیدی برای این مهارت می باشد.

¹-Ross (1999)

²- James and Johnson (2006)

³- (Jean William Fritz Piaget)1962

- 2- درک مطلب: در این زمینه باید مطلب اصلی فهمیده شود و موارد غیراساسی و بی مورد را کنار گذاشت. برای آموزش این مهارت به عنوان نمونه می توان داستانی را برای کودکان خواند و از آن ها خواست تا اصل مطلب را به تصویر بکشند و یا آن را به شعر درآورند و یا خلاصه نمایند. هرچه مطلب ساده و روشن باشد، دریافت اصل مطلب راحت تر است.
 - 3- توجه به عواطف: در نظر گرفتن احساسات و عواطف نقش بسزایی در رشد و یا عدم رشد خلاقیت دارد. عواطف می تواند باعث شور و شوق شود و یا در جنبه منفی عامل بازدارنده باشد.
 - 4- قدرت تخیل: در این روش فرد خود را جای چیز دیگر قرار می دهد. روش های پرورش تخیل بسیار متنوع است؛ مثل خواندن و نوشتن داستان های تخیلی و علمی. اختراعات و ابداعات بسیار زیادی وجود دارند که نتیجه قدرت تخیل افراد است.
 - 5- ابتکار: در این روش باید از فرد خواست تفکر عادی و آنچه را که عادت کرده است کنار بگذارد و به تفکر غیرمعمولی توجه نماید. او نباید از اینکه تفکری متفاوت با دیگران دارد اضطراب داشته باشد.
 - 6- توانایی درونی: رشد و پرورش تجسم مسائل پنهانی و درونی می تواند نقش مؤثری در خلاقیت داشته باشد. تمرکز، دقت و توجه به مسائل درونی فرایند خلاقیت را تسهیل می نماید.
 - 7- بررسی راه های متفاوت: والدین و مربیان باید از کودکان بخواهند راه حل های گوناگونی را برای حل مسائل در نظر گیرند. یافتن راه حل های متفاوت و دوری از انتقاد نسبت به ایده ها و عدم محدودیت در ارائه اندیشه ها زمینه را برای خلاقیت مهیا می نماید.
 - 8- شوخ طبعی: از ویژگی های افراد خلاق شوخ طبعی است. شوخ طبعی به این معناست که فرد مسائل بی ربط و نامناسب را که بر خلاف آداب معمول است به هم مربوط می سازد. بنابراین، باید آن را تأیید نمود.
 - 9- زود قضاوت نکردن: باید به کودکان آموزش داد که از قضاوت عجولانه بدون تفکر و پیشداوری و تعصب خودداری نمایند و در داوری تفکر و استدلال را مدنظر قرار دهند.
 - 10- نگاهی دوباره: از مسائل مهم خلاقیت، داشتن نگرشی متفاوت است. فرد خلاق به دنبال جنبه های جدیدی است. تغییر نقش از روش های مؤثر در خلاقیت است؛ مثلا، جابه جایی نقش ها مانند معلم - دانش آموز، والدین - کودک می تواند نقش ها را تغییر داده و اندیشه های جدیدی به وجود آورد.
- بررسی و مطالعه زندگی انسان های خلاق حاکی از آن است که هنگامی خلاقیت به شکوفایی می رسد که شخص بتواند بین آنچه در درون دارد و آنچه از محیط می آموزد ارتباط برقرار نماید؛ بدین معنا که طبیعت یا فطرت با تربیت هماهنگ باشد.

موانع خلاقیت در کودکان

شاید به نظر کمی بدیهی برسد که موانع خلاقیت در کودکان خیلی کلیشه ای به نظر برسد اما واقعیت این است که موانع خلاقیت در کودکان زمینه های مهم و جدی اما ساده ای دارد. تقریباً هر کسی که کمی از روان شناسی کودک با اطلاع باشد می تواند موانع خلاقیت در کودکان را شناسایی و برطرف نماید. اما همه ی موانع خلاقیت در کودکان به این سادگیها قابل رفع نیستند. در ادامه برخی از موانع خلاقیت در کودکان را آورده ایم: (صبحی قراملکی، 1378، 35)

1- بزرگسال فرض کردن کودک می تواند یکی از موانع خلاقیت در کودکان و جدی ترین آنها باشد. تصور کنید خانواده هایی - پدرها و مادرهایی که همیشه کودک خود را به صورت تافته ای جدا بافته از دیگر کودکان مطرح می نمایند، چه خواسته ی نابجا و چه ضربه سنگینی به کودک خود خواهند زد.

2- محیط خشک خانه نیز یکی از موانع خلاقیت در کودکان است که اغلب در خانواده ها از سمت پدر خانواده به دلیل مشغله فراوان و شغل خاص - مانند نظامی گری- مشاغل مالی و غیره - می تواند به صورت ناخودآگاه یکی از موانع خلاقیت در کودکان را ایجاد نماید. کودکی که نتواند در محیط خانه کودکی کند، هیچ گاه نمی تواند رشد کند و از موانع خلاقیت در کودکان عبور نماید.

3- ناشناس ماندن علایق درونی کودکان هم از موانع خلاقیت در کودکان است. کودکان زیادی حتی تا سنین بزرگسالی علایق درونی خود را به صورت یکی از موانع خلاقیت در کودکان و بزرگسالان حفظ می کنند.

4- نادیده گرفتن تخیلات کودک نیز یکی از موانع خلاقیت در کودکان می تواند به حسابی بیاید.

5- انتقاد فراوان مخرب خلاقیت و از موانع خلاقیت در کودکان است.

6- آشنا نبودن والدین با مفهومی به نام خلاقیت به عنوان یکی از موانع خلاقیت در کودکان و تکراری شدن روزهای خانواده است.

7- تاکید فراوان بر جنسیت کودک می تواند از موانع خلاقیت در کودکان باشد.

8- ایجاد رقابت خالص بین کودکان یکی از مهمترین موانع خلاقیت در کودکان و کشنده ی استعدادهای نهفته ی اوست. در این گونه موارد والدین بایستی بتوانند کنترل درستی بر روی قابلیت های تبدیل یک رقابت به عنوان فعال کننده کودک به حسادت کشنده و بازدارند در بین کودکان مطلع باشند.

9- تاکید بیش از حد بر هوش کودک و توانایی او به عنوان آخرین عامل از موانع خلاقیت در کودکان است که در این گفتار، با شما پدرها و مادرها ی گرامی مطرح نموده ایم.

جدول: خلاصه ای از رفتارهایی را که می توانند نشانه خلاقیت باشند. (گریوز ، گارگیلو ، اسلادر، 1379. 55)

نشیدم مرا برای خوردن شام صدا بزیدم.	دقت و توجه شدید در گوش دادن ،مشاهده کردن ،یا انجام دادن کاری:
دارم فکر می کنم نمی توانم قرار بگیرم.	شور و نشاط و مشغولیت های شدید جسمانی :
احساس می کنم یک پيله هستم که می خواهم به یک پروانه تبدیل شوم	استفاده از قیاس در صحبت:
مامان ! من هم کتاب خواندم ،هم تلویزیون تماشا کردم و هم از معلم سوال کردم اما هنوز نمی دانم خدا کجا زندگی می کند.	عادت به واریسی منابع مختل :
اما این هزار پا که فقط نود و نه پا دارد.	نگاه کردن با دقت به اشیاء:
می دانی چه شد ،حدس بزن.....	اشتیاق صحبت کردن درباره کشفیات با دیگران :
مامان ،حتی زنگ تفریح هم نقاشی کردم تا کارم تمام شود.	ادامه انجام برنامه بعد از تمام شدن وقت:
می دانی چیه ،کلاه جدیدت شکل یک پروانه است	پی بردن به روابط در چیزهایی که به ظاهر با هم بی ارتباطند:
می دانید فردا می خواهم در باغچه دنبال طلا بگردم	فکر کردن به چیزی که مثلا در یک برنامه تلویزیونی نشان داده اند :
خواستم بدانم که حیاط از بالای پشت بام چگونه دیده می شود.	کنجکاوی زیاد برای سر درآوردن از امور:
فکر کردم اگر آرد و آب را با هم ترکیب کنیم نان ساخته می شود ،اما دیدم که یک تکه خمیر سفید شد	استفاده از اکتشاف یا یک تجربه :
با آب و آرد خمیر درست می کنند.	در صدا در اثر یک اکتشاف :
می تونم با آب و صابون حباب درست کنم ؟	عادت به سوال و آزمودن نتایج :
مامان امیدوارم از این حرف ناراحت نشوید،اما فکر می کنم عمو نوروژ وجود خارجی ندارد.	صداقت و میل شدید به اطلاع یافتن از امور :
درباره مسابقات اتوموبیل رانی کتاب جالبی پیدا نکردم ،خودم در این باره یک انشاء می نویسم	عمل مستقل :
به نظر من بچه ها باید حق رای داشته باشند.	جسارت در گفتار :
تا کارم را تمام نکنم نمی توانم با شما بازی کنم	دقت نظر :
قصد دارم با این نخ و این مداد یک دایره بکشم.	استفاده از نظریات و اشیاء برای دستیابی به یک هدف:
وقتی برف آب می شود رنگ سفید برف کجا می رود.	طرح سوال :
فکر می کنم این لنگه کفش پاره به درد گلدان شدن می خورد	میل به اطلاع یابی و کشف احتمالات :
دیروز به کتابخانه مدرسه رفتم و به همه کتابهایی که درباره دایناسورها نوشته شده بود نگاه کردم.	یادگیری به ابتکار خود :
راستی اگر حیوانات آدم می شدند و آدمها حیوان ، چه اتفاقی می افتاد؟	طرح سوالات عجیب :

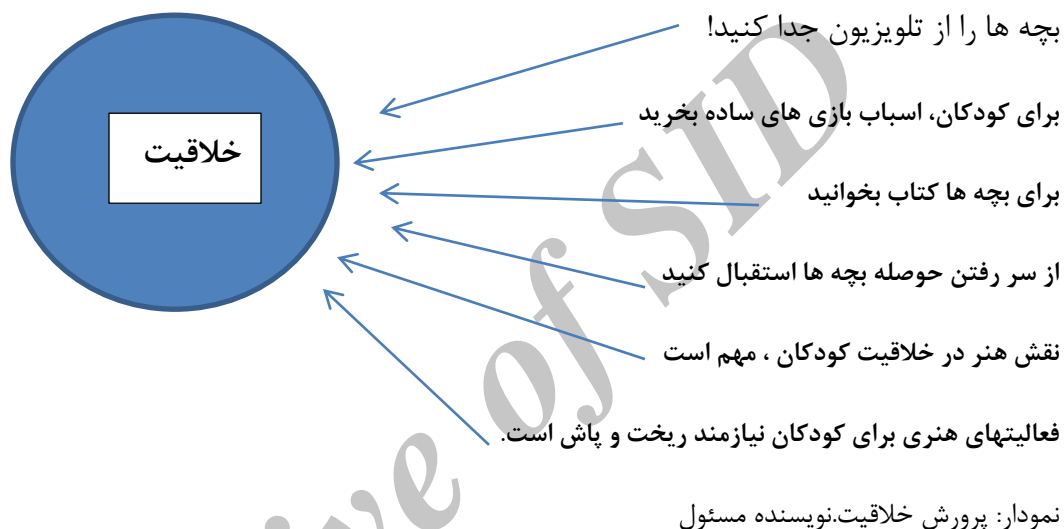
نتیجه گیری

با بررسی نظام‌های مختلف روان‌شناسی - تربیتی متوجه می‌شویم که همه نظام‌هایی که خلاقیت را مورد بررسی و کنکاش قرار داده‌اند، در خصوص مفهوم خلاقیت، شیوه‌های پرورش و ویژگی‌های افراد خلاق، دارای یک‌سری مفاهیم و راه‌کارهایی هستند. لذا برای حل مسائل علمی و اجتماعی، روش‌هایی را ارائه می‌کنند، که در استفاده هر چه بهتر از نیروهای ذهنی، فرصت‌ها، استعدادها و توان افراد، یاری‌رسانمان باشد. برای رسیدن به این هدف، توجه به بحث‌های نظری در مورد خلاقیت و فلسفه هر کدام از این نظریه‌ها، یک ضرورت تلقی می‌شود و سپس باید برای رسیدن به هدف، به روش‌های پرورش خلاقیت که در یک «نظام تربیتی پویا و خلاق» متبلور می‌شود، توجه خاصی داشت.

اگر می‌خواهید تفکر خلاق در کودکان پرورش یابد، از ۲ تا ۵ سالگی پاسخ سوالات کودک را به تمامی ارائه نکنید و اجازه بدهید خودش درباره پاسخ‌ها فکر کند. این کار باعث می‌شود کودک فکر کند و به یک پاسخ واحد قانع نشود. نکته این جاست که در بیشتر موارد کودکان راه حل‌ها و پاسخ‌های بسیار خوب و مناسبی ارائه می‌دهند. بنابراین سعی نکنید جواب سوالات کودک را بلافاصله و با شرح جزئیات ارائه دهید. لازم است پس از ابراز خلاقیت کودک، وی را ارزیابی کنید زیرا هوش هیجانی و هوش عملی نقش موثری در بروز خلاقیت کارآمد دارد. گاهی ممکن است کودک خلاق باشد اما دست به کارهای خطرناک بزند. بنابراین کودک باید پس از بروز خلاقیت، افکار خود را پیاده کند و ارزیابی شود تا والدین مطمئن شوند که کودک دست به کارهای خطرناک نمی‌زند. بنابراین والدین از ۵ سالگی به بعد با اتخاذ شیوه‌های متعدد می‌توانند امیدوار باشند که خلاقیت در کودکان پرورش پیدا کند. برخلاف تصور بسیاری از والدین درباره این که برای افزایش خلاقیت کودک نیاز به سرمایه‌گذاری مالی وجود دارد، در این راستا فقط لازم است کودک درباره اشیای موجود در محیط پیرامون خود اطلاعات کافی داشته باشد و اجازه یابد آنچه کنجکاویش را تحریک کرده است، در اختیار داشته باشد. سپس والدین می‌توانند نحوه استفاده‌های متنوع از یک شیء را به او آموزش دهند. او باید بتواند از یک اسباب بازی به اشکال مختلف استفاده کند و با یک فکر رها شده و آزاد با اسباب بازی‌های خود بازی کند، گاهی لازم است والدین چگونگی کار با اشیاء را به کودک نشان دهند و از او سوالاتی درباره سایر کاربردهای آن بپرسند. کار با کاردستی یا لگو در بروز خلاقیت کودکان نقش مهمی دارد، همراهی با بازی کودکان در این سن بسیار مهم است. والدین می‌توانند در ساخت اشکال هندسی به کودک کمک کنند یا از او بخواهند درباره آن چه ساخته است یک داستان بگویند یا یک داستان برای او تعریف کنند و بخواهند آن را طبق علاقه خود تغییر دهند. نقاشی کردن هم یکی از بهترین راه‌های افزایش خلاقیت کودکان است؛ تشویق کودکان به نقاشی کردن، در شکل‌گیری نوع جدیدی از طرز تفکر درباره محیط پیرامون و ترسیم آن چه در ذهن دارند، بسیار موثر است. استفاده از هنرهای تجسمی، پازل، جداول ترسیمی هم بسیار سودمند است. براساس نتایج تحقیقات پیشین، کودکانی که به وسیله آموزش بازی وانمودی خلاقیتشان افزایش پیدا می‌کند احتمالاً در بزرگسالی از خود خلاقیت نشان خواهند داد پس زمانی که خلاقیت کودکان به وسیله آموزش بازی‌های وانمودی افزایش پیدا می‌کند در طول زمان پایدار می‌ماند.

روش تدریس معلم از نکات قابل اهمیت در پرورش خلاقیت است. بنابراین، روش تدریس او باید اکتشافی و فعال باشد، یعنی روش‌هایی را به کار بندد که دانش آموزان را به فعالیت وادارد، جلسات بحث و گفتگو تشکیل دهد و آن‌ها را با مسائل روبه‌رو سازد. معلم باید دانش آموزان را به خطرپذیری معقول تشویق نماید. منظور از خطرپذیری به مخاطره انداختن زندگی نیست.

دانشمندانی همچون شکسپیر (نمایش نامه نویس)، داستایوسکی (داستان نویس) و پیکاسو (نقاش) با خطرپذیری، به چنین موفقیت هایی دست یافتند. بنابراین، شکیبایی و صبر در برابر شکست را باید به دانش آموزان آموخت.



فهرست منابع و مأخذ

- آماویل، تراز (1379)، خلاقیت را چگونه از بین ببری، م ترجمه حسین حسینیان، زرنقی، تدبیر، شماره 103
- آلن راس، (1375) - روان شناسی شخصیت (نظریه ها و مفاهیم)، ترجمه سیاوش جمالفر، روان، چ دوم، انوری، حسن (1381)، فرهنگ بزرگ سخن، جلد چهارم، انتشارات سخن، چاپ اول.
- بودو، آلن (1358)، خلاقیت در آموزشگاه، ترجمه دکتر علی خانزاده، انتشارات شرکت سهامی چهر.
- پیازه ژان (1371) تربیت به کجا ره می سپرد. ترجمه منصور پررخ دادستان، تهران: دانشگاه تهران
- سام خانیان، محمد ربیع (1384). برنامه ریزی آموزش منابع انسانی - مبانی و فرآیندها - تهران - نشر مهر برنا.
- سینگر، دروتی جی؛ و سینگر، جروم ال (2001). پرورش خلاقیت به کمک بازی های وانمودی. ترجمه دکتر حمید علیزاده و علیرضا روحی، (1387). تهران: انتشارات جوانه رشد.

شهر آرای، مهرناز (1381)، روش‌های تربیتی پویا و خلاق، فصل‌نامه تعلیم و تربیت.

صبحی قراملکی، ناصر (1378)، خلاقیت و روش‌های یادگیری آن در کودکان، مجله رشد تکنولوژی آموزشی، دوره 15، شماره 6.

فرهودی، هاجر. (1387). بررسی تأثیر استفاده از بازیهای آموزشی رایانه‌ای بر افزایش خلاقیت کودکان مقطع سوم دبیرستان. پایان‌نامه کارشناس ارشد تکنولوژی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

گریوز، گارگیلو، اسلادر. (1379) - خلاقیت (شناخت ویژگی‌های کودکان و برخورد مناسب با آنها) - برگردان: مهدی قراچه‌داغی، انتشارات پیک بهار، چاپ دوم: 1379.

مقاله

"کودک و خلاقیت" - تهیه کنندگان مقاله: محسن عبدالله کامران عبدی، علیرضا حسین کاظمی - حمید حمیدی راد تحت نظر خانم الهام رحمت‌آبادی - مربوط به درس جامعه‌شناسی و اقتصاد آموزش و پرورش - گروه کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دماوند - علوم تربیتی و مدیریت آموزشی - خرداد 1394

فرج‌اللهی، مه‌رام - موسوی، سید علی محمد - پروانه، تاجی شناسایی عوامل موثر در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان مقطع راهنمایی از دیدگاه دبیران، مدیران و کارشناسان آموزش اداره ی منطقه شش آموزش و پرورش استان تهران - ماهنامه تفکر و کودک، سال اول، شماره ی دوم، پاییز و زمستان 1389، 83-100

Garaigordobi L.M (2006) Intervention in creativity with children/age 10 and 11 years.

Creativity research journal, university of the basque country 18,3-8 .

Johnson, James E.(1999) "Relations of Divergent Thinking and Intelligence Test Scores with Social and Nonsocial Make-Believe Play of Preschool Children" Society for Research in Child Development.

mcleod, j. and cropley, a(1989) fostering acadmic excellence

maslow,a(1968).h.toward psychology of being /newyork:van.nostrand reinhold.

Singer, J. L. (1995). Imaginative play in childhood: Precursor of subjunctive thought, daydreaming, and adult pretending games. Albany, NY: State University of New York Press.

.Renzulli, Joseph, S. (1999). News Around the World Gifted, Education I nternational Vol. 10

Telling for Preschool Children. Master Dissertation, The University of Hong kong,

http://dx.doi.org/10.5353/th_b3537294(2013, Nov. 3).

Torrance, E. (1989). The Nature of Creativity as Manifest in, this Testing in, Stanberry,

Torrence, E. P. (1980). "Lesson About Giftedness and Creativity from a Nation of 115Million .Overachievers", gifted child quarterly, Vol. 1, No.1

Tsz Ki , Lam. (2005). Developing Creativity and Problem Solving Through Story

Weisberg, R.W. (1993). Creativity Temple University, New York: W- H. Freeman. & company

Archive of SID